

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ
بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي
غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي
مَلَأْتَ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ
فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّتِي
أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ؛ يَا نُورُ يَا
قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ



خدایا از تو درخواست می‌کنم، به رحمتت که همه چیز را فراگرفته و به نیرویت که با آن بر هر چیز چیره گشتی و در برابر آن هر چیز فروتنی کرده و همه چیز خوار شده و به نیروی مطلقیت که با آن بر همه چیز برتری یافتی و به تواناییات که چیزی در برابرش تاب نیاورد و به بزرگیات که همه چیز را پر کرده و به پادشاهیات که برتر از همه چیز قرار گرفته و به ذاتت که پس از نابودی همه چیز باقی است و به نام‌هایت

که پایه‌های همه‌چیز را انباشته و به دانشت که بر همه‌چیز احاطه کرده و به نور ذاتت که همه‌چیز در پرتو آن تابنده شده؛ ای نور، ای پاک از هر عیب، ای آغاز هر آغاز و ای پایان هر پایان

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهَتِكُ الْعِصَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي
تُنزِلُ النِّقَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ
الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنزِلُ الْبَلَاءَ؛ اللَّهُمَّ اغْفِرْ
لِي كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا



خدایا! بیامرز برایم آن گناہانی را که پرده مصونیتم می‌درد، خدایا! بیامرز برایم آن گناہانی را که کیفرها را فرو می‌بارند، خدایا! بیامرز برایم آن گناہانی که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازند، خدایا! بیامرز برایم آن گناہانی را که دعا را از اجابت بازمی‌دارند، خدایا! بیامرز برایم آن گناہانی که بلا را نازل می‌کند؛ خدایا! بیامرز برایم همه گناہانی را که مرتکب شدم و تمام خطاهایی که به آن‌ها آلوده گشتم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ، وَأَسْأَلُكَ
بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ، أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي،
وَتَجْعَلَنِي بِقِ سَمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا، وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا



خدایا! با یاد تو به سویت نزدیکی می‌جویم و از ناخشنودی تو به درگاه خودت شفاعت می‌طلبم و از تو می‌خواهم به بخشندگی‌ات مرا به بارگاه قرب خویش نزدیک گردانی و سپاس خود را در دلم اندازی و یادت را به من الهام کنی، خدایا! از تو درخواست می‌کنم، درخواست بنده‌ای فروتن، خوار و افتاده که با من مدارا نمایی و به من رحم کنی و به آنچه روزی‌ام نموده‌ای خشنود و قانع بداری و در تمام حالات در عرصه‌ی فروتنی‌ام قراردهی

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ
حَاجَتَهُ، وَعَظَمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ. اللَّهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ، وَعَلَا
مَكَانُكَ، وَخَفِيَ مَكْرُكَ، وَظَهَرَ أَمْرُكَ، وَغَلَبَ قَهْرُكَ، وَجَرَتْ
قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ



خدایا! از تو درخواست می‌کنم درخواست کسی که سخت تهیدست شده و بار نیازش را به هنگام گرفتاری‌ها به آستان تو فرود آورده و میلش به آنچه نزد توست فزونی یافته، خدایا! فرمانروایی‌ات بس

دعای کمیل

بزرگ و مقامت والا و تدبیرت پنهان و فرمانت آشکار و کوبندگیات چیره و قدرتت جاری و روان و گریز از حکومت نشدنی است

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا، وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي
الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ،
ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي، وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنْنِكَ عَلَيَّ.
اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَرِّمْ مِنْ قَبِيحِ سَتْرَتِهِ، وَكَرِّمْ مِنْ فَادِحِ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ، وَكَرِّمْ
مِنْ عِثَارِ وَقَيْتِهِ، وَكَرِّمْ مِنْ مَكْرُوهِ دَفَعْتَهُ، وَكَرِّمْ مِنْ تَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا
لَهُ نَشَرْتَهُ



خدایا! آمرزنده‌ای برای گناهانم و پرده‌پوشی برای زشتکاری‌هایم و تغییر دهنده‌ای برای کار زشتم به زیبایی،
جز تو نمی‌یابم، معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی و به ستایشت برخاسته‌ام، به خود ستم کردم و از
روی نادانی جسارت و دلیری کردم و به یاد دیرینه‌ات از من و بخششت بر من به آرامش نشستم، خدایا!
ای سرور من چه بسیار زشتی مرا پوشاندی و چه بسیار بلاهای سنگین و بزرگی که از من معاف کردی و
چه بسیار لغزشی که مرا از آن نگهداشتی و چه بسیار ناپسندی که از من دور کردی و چه بسیار ستایش
نیکویی که شایسته آن نبودم و تو در میان مردم پخش کردی

اللَّهُمَّ عَظْمَ بَلَائِي، وَأَفْرَطَ بِي سُوءِ حَالِي، وَقَصْرَتَ بِي أَعْمَالِي، وَقَعَدَتَ
بِي أَغْلَالِي، وَحَبَسَنِي عَن نَّفْعِي بَعْدَ أَمَلِي، وَخَدَعَتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا،
وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي، يَا سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ
عَنكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِن
سِرِّي، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءٍ فِعْلِي وَ
إِسَاءَتِي، وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي



خدایا! بلایم بزرگ شده و زشتی حالم از حدّ گذشته و کردارم بی‌لیاقت و بی‌خبرم ساخته و زنجیرهای
گناه مرا زمین‌گیر کرده و دوری آرزوهایم مرا زندانی ساخته و دنیا با غرورش و نفسم با جنایتش و امروز
و فردا کردنم مرا نسبت به تو فریفته، ای سرورم از تو درخواست می‌کنم به توانمندی‌ات که مانع نشود
از اجابت دعایم به درگاهت، بدی عمل و زشتی کردارم و مرا با آنچه از اسرار نهانم می‌دانی رسوا مسازی
و در کیفر آنچه در خلوت‌هایم انجام دادم، از زشتی کردار و بدی رفتار و تداوم کوتاهی‌ام در وظایف و
نادانی و بسیاری شهواتم و بی‌خبری‌ام، شتاب نکنی

وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْوْفًا، وَعَلَىٰ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ
عَطُوفًا، إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي، وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

دعای کمیل



خدایا! با من در همه احوال مهر ورز باش و بر من در هر کارم به دیده لطف بنگر. خدایا، پروردگارا، جز تو که را دارم؟ تا برطرف شدن ناراحتی و نظر لطف در کارم را از او درخواست کنم

إِلٰهِي وَمَوْلَايَ أَجْرِيَّتَ عَلَيَّ حُكْمًا أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَلَمْ أَحْتَرِسْ
فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ،
فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ
أَوْامِرِكَ، فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ؛ وَلَا حُجَّةَ لِي فِي مَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ
قَضَاؤُكَ، وَالزَّمَنِي حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ



خدای من و سرور من، حکمی را بر من جاری ساختی که هوای نفسم را در آن پیروی کردم و از فریبکاری آرایش دشمنم نهراسیدم، پس مرا به خواهش دل فریفت و بر این امر اختیار و اراده‌ام یاریش کرد، پس بدین‌سان و بر پایه گذشته‌هایم از حدودت گذشتم و با برخی از دستوراتت مخالفت کردم، پس حجت در همه این‌ها فقط برای توست؛ و مرا هیچ دلیل و حجتی نیست در آنچه بر من از سوی قضایات جاری شده و فرمان و آزمایشت ملزم نموده

وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي، مُعْتَذِرًا نَادِمًا
مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَفْرَأً
مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَ
إِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ . اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَارْحَمْ شِدَّةَ
ضُرِّي، وَفَكِّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي



ای خدای من، اینک به پیشگاهت آمدم، پس از کوتاهی در عبادت و زیاده‌روی در خواهش‌های نفس
عذرخواه، پشیمان، شکسته‌دل، جویای گذشت، طالب آمرزش، بازگشت کنان با حالت اقرار و اذعان و
اعتراف به گناه، بی‌آنکه گریزگاهی از آنچه از من سرزده بیابم و نه پناهگاهی که به آن روی آورم پیدا کنم،
جز اینکه پذیرای عذرم باشی و مرا در رحمت فراگیری بگنجانی. خدایا! پس عذرم را بپذیر و به بدحالی‌ام
رحم کن و از بند محکم گناه رهایم ساز

يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي، وَرِقَّةَ جِلْدِي، وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي
وَذِكْرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي



دعای کمیل

پروردگارا! بر ناتوانی جسمم و نازکی پوستم و نرمی استخوانم رحم کن. ای که آغازگر آفرینش و یاد و پرورش و نیکی بر من و تغذیه‌ام بوده‌ای، اکنون مرا ببخش به همان بزرگواری نخستت و پیشینه احسانت بر من

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي، أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا
انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ
ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ؛
هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ، أَوْ تُبَعِّدَ [تُبَعِّدَ] مَنْ أَدْنَيْتَهُ، أَوْ
تُشَرِّدَ مَنْ أَوْيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ



ای خدای من و سرور و پروردگارم، آیا مرا به آتش دوزخ عذاب کنی، پس از اقرار به یگانگیات و پس از آنکه دلم از نور شناخت تو روشنی گرفت و زبانم در پرتو آن به ذکرت گویا گشت و پس از آنکه درونم از باور به تو لبریز شد و پس از مخلص بودنم در اعتراف و درخواست متواضعانه‌ام در برابر پروردگاریات؟ باور نمی‌کنم چه آن بسیار بعید است و تو بزرگوارتر از آن هستی که پروردهات را تباه کنی یا آن را که به خود نزدیک کرده‌ای دور کنی یا آن را که پناه دادی از خود برانی یا آن را که خود کفایت نموده‌ای و به او رحم کردی به موج بلا واگذاری

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ، أَسْلَطَ النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهِ خَرَّتْ
لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، وَبِشُكْرِكَ
مَادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً؛ وَعَلَى ضَمَائِرٍ حَوَتْ مِنْ
الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحٍ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ
طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً



ای کاش می دانستم ای سرورم و معبودم و مولایم، آیا آتش را بر صورت‌هایی که برای عظمتت سجده‌کنان
بر زمین نهاده شده چیره می‌کنی و نیز بر زبان‌هایی که صادقانه به توحیدت و به سپاست مدح‌کنان گویا
شده و هم بر دل‌هایی که بر پایه تحقیق به خداوندیت اعتراف کرده؛ و بر نهادهایی که معرفت به تو
آن‌ها را فراگرفته تا آنجا که در پیشگاهت افتادگی کرده و به اعضای که مشتاقانه به سوی پرستشگاه‌هایت
شتافته‌اند و اقرار کنان جویای آمرزش تو بوده‌اند، شگفتا این همه را به آتش می‌سوزانی

مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَلَا أَخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عِنْدَكَ يَا كَرِيمُ، يَا رَبِّ وَأَنْتَ تَعَلَّمُ
ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ
عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنَهُ، يَسِيرٌ بِقَاوُهِ، قَصِيرٌ

مُدَّتُهُ؛ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا؟
وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ
لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَاتِّقَامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ
السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ
الْحَقِيرُ الْمَسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ



هرگز چنین گمانی به تو نیست و از فضل و احسان تو چنین خبری داده نشده، ای بزرگوار، ای پروردگار و تو از ناتوانی‌ام در برابر اندکی از غم و اندوه دنیا و کیف‌های آن و آنچه از ناگواری‌ها بر اهلش می‌گذرد آگاهی، با آنکه این غم و اندوه و ناگواری درنگش کم، بقایش اندک و مدتش کوتاه است؛ پس چگونه خواهد بود تاب و توانم در برابر بلای آخرت و فرود آمدن ناگواری‌ها در آن جهان بر جسم و جانم و حال آنکه زمانش طولانی و جایگاهش ابدی است و تخفیفی برای اهل آن بلا نخواهد بود، چراکه مایه آن بلا جز از خشم و انتقام و ناخشنودی تو نیست و این چیزی است که در برابرش آسمان‌ها و زمین تاب نیاورند، ای سرور من تا چه رسد به من؟ و حال آنکه من بنده ناتوان، خوار و کوچک، زمین‌گیر و درمانده توأم

يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلِمَا مِنْهَا
أَصْبِحُ وَأَبْكِي، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ. فَلَيْتَ

صَبَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ،
وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي
وَمَوْلَايَ وَرَبِّي، صَبَّرْتُ عَلَى عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي
صَبَّرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ؟ أَمْ كَيْفَ
أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ؟



ای خدای من و پروردگار و سرور و مولایم، برای کدامیک از دردهایم به حضرتت شکایت کنم و برای کدامین گرفتاریم به درگاهت بنالم و اشک بریزم. آیا برای دردناکی عذاب و سختی‌اش، یا برای طولانی شدن بلا و زمانش، پس اگر مرا در عقوبت و مجازات با دشمنانت قرار دهی و بین من و اهل عذابت جمع کنی و میان من و عاشقان و دوستانت جدایی اندازی، ای خدا و آقا و مولا و پروردگارم، بر فرض که بر عذابت شکیبایی ورزم، ولی بر فراقت چگونه صبر کنم و گیرم ای خدای من بر سوزندگی آتشت شکیبایی کنم، اما چگونه چشم انداختن به بزرگمنشی و سخاوتت را تاب آورم یا چگونه در آتش، سکونت گزینم و حال آنکه امید من گذشت و چشم‌پوشی توست؟

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا، لَئِنْ تَرَكَتْنِي نَاطِقًا لَأَضِجَنَّ
إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمَلِينَ، وَلَا أَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ

الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَلَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ، وَلَا نَادِيَنَّكَ أَيْنَ
كُنْتَ يَا وَليُّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا
حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ



پس به توانمندیات ای آقا و مولایم سوگند صادقانه می‌خورم، اگر مرا در سخن گفتن آزاد بگذاری در میان اهل دوزخ به پیشگاهت سخت ناله سر دهم، همانند ناله‌ی آرزومندان و به درگاهت بانگ بردارم، همچون بانگ آنان که خواهان دادرسی هستند و هر آینه به آستانت گریه می‌کنم چو آنان که مبتلا به فقدان عزیزی می‌باشند و هر آینه صدایت می‌زنم: کجایی ای سرپرست مؤمنان، آری کجایی ای نهایت آرزوی عارفان، ای فریادرس خاوندگان فریادرس، ای محبوب دل‌های راستان و ای معبود جهانیان

أَفْتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ
فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا
بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ
بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ؟ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ

يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرَجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ؟ أَمْ كَيْفَ تُوْلِمُهُ النَّارُ
وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ؟



آیا این چنین است، ای خدای منزه و ستوده که در دوزخ بشنوی صدای بنده مسلمانی که برای مخالفتش با دستورات تو زندانی شده و مزه عذابش را به خاطر نافرمانی چشیده و میان درکات دوزخ به علت جرم و جنایتش محبوس شده و حال آنکه در درگاهت سخت ناله می‌زند، همچون ناله آن‌که آرزومند رحمت توست و با زبان اهل توحیدت تو را می‌خواند و به ربوبیتت به پیشگاهت توکل می‌جوید، ای مولای من، چگونه در عذاب بماند و حال آنکه امید به بردباری گذشته‌ات دارد یا آتش چگونه او را به درد آورد درحالی‌که بخشش و رحمت تو را آرزو دارد؟

أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ؟ أَمْ كَيْفَ
يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ
أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟ أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا
رَبَّهُ؟ أَمْ كَيْفَ يَرَجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَرُكُهُ فِيهَا



یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند درحالی‌که فریادش را می‌شنوی و جایش را می‌بینی یا چگونه آتش او را دربر بگیرد و حال آنکه از ناتوانی‌اش خبرداری، یا چگونه در طبقات دوزخ به این سو و آن سو کشانده

دعای کمیل

شود درحالی که راست‌گویی‌اش را می‌دانی، یا چگونه فرشته‌های عذاب او را با خشم برانند و حال آنکه تو را به پروردگاری‌ات می‌خواند، یا چگونه ممکن است بخششت را در آزادی از دوزخ امید داشته باشد و تو او را در آنجا به همان حال واگذاری؟

هَيِّهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشَبَّهُ لِمَا
عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ؛ فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ، لَوْلَا مَا
حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيبِ جَاحِدِيكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ،
لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأًا وَلَا مُقَامًا،
لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتَ أَنْ تَمَلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ، مِنَ الْجِنَّةِ
وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلَّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلَّ تَنَاوُكَ قُلْتَ
مُبْتَدِئًا، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا
يَسْتَوُونَ



همه این امور از بنده‌نوازی تو بس دور است، هرگز گمان ما به تو این نیست و نه از فضل تو چنین گویند و نه به آنچه از خوبی و احسانت با اهل توحید رفتار کرده‌ای شباهتی دارد؛ پس به یقین می‌دانم که اگر فرمانت در به عذاب کشیدن منکرانت نبود و دستورت به همیشگی بودن دشمنانت در آتش صادر

دعای کمیل

نمی‌شد، هر آینه سرتاسر دوزخ را سرد و سلامت می‌کردی و برای احدی در آنجا قرار و جایگاهی نبود، اما تو که نام‌هایت مقدّس است، سوگند یاد کردی که دوزخ را از همهی کافران چه پری و چه آدمی پر سازی و ستیزه‌جویان را در آنجا همیشگی و جاودانه بداری و هم تو که ثنایت برجسته و والا است به این گفته ابتدا کردی و با نیکی و محبت و لطف، بزرگ‌منشی فرمودی که « آیا مؤمنان [اهل عبادت] مانند کسانی هستند که منحرف و نافرمانند؟ [نه، هرگز این دو گروه] مساوی نیستند»

إِلٰهِي وَسَيِّدِي، فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا
وَحَاكَمْتَهَا، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي
هَذِهِ السَّاعَةِ، كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْبَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ،
وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ
أَمَرْتَنِي بِإِبْتِئَانِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ



ای خدا و سرور من، از تو خواستارم به قدرتی که مقدر کردی و به فرمانی که حتمیتش دادی و استوارش ساختی و بر کسی که بر او اجرایش کردی چیره کردی که در این شب و در این ساعت بر من ببخشی هر جرمی که مرتکب شدم و هر گناهی که به آن آلوده گشتم و هر کار زشتی را که پنهان ساختم و هر نادانی و جهلی که آن را بکار گرفتم، خواه پنهان کردم یا آشکار، نهان ساختم یا عیان و هر کار زشتی که دستور ثبت آن را به نویسندگان بزرگوار دادی

الَّذِينَ وَكَلَّتهمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ
جَوَارِحِي، وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ
عَنَّهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَأَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي، مِنْ كُلِّ
خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِنَشْرَتِهِ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ
تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَاةٍ تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ



آنان که بر ضبط آنچه از سر زند گماشتی و آنان را نیز گواهانی بر من قراردادی علاوه بر اعضايم و خود فراتر از آنها مراقب من بودی و شاهد بر آنچه از آنان پنهان ماند و به یقین با رحمت پنهان ساختی و با احسانت پوشاندی و اینکه از تو می‌خواهم از هرچیزی که نازل کردی یا احسانی که مرحمت نمودی یا بَرّ و نیکی که گستردی یا رزقی که گسترش دادی یا گناهی که بیمارزی یا خطایی که بیوشانی، پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِقي، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي، يَا عَلِيمًا
بِضُرِّي وَمَسْكَنتِي، يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ،
أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنْ

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً؛ وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ
مَقْبُولَةً، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا، وَحَالِي فِي
خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا



ای خدای من، ای سرور من، ای مولای من و اختیاردارم، ای کسی که مهارم به دست اوست، ای آگاه از
پیشانی و ناتوانی‌ام، ای دانای تهیدستی و ناداری‌ام، پروردگارا! پروردگارا! پروردگارا! از تو درخواست
می‌کنم به حَقّت و قداست و پاکی‌ات و بزرگ‌ترین صفات و نام‌هایت که همه اوقاتم را از شب و روز به
یادت آباد کنی و به خدمتگزاری‌ات پیوسته بداری؛ و اعمالم را در پیشگاهت پذیرفته قراردهی تا آنکه
اعمال و اورادم هماهنگ و همسو و همه ورد واحدی باشد و حالم در خدمت تو پاینده گردد

يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا
رَبِّ، قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَأَشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي، وَهَبْ لِي
الْحَدِيثَ فِي خَشْيَتِكَ، وَالذُّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أُسْرَحَ إِلَيْكَ فِي
مَيَادِينِ السَّابِقِينَ؛ وَأُسْرِعْ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَأَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي

الْمُشْتَاقِينَ، وَأَدْنُو مَنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ،
وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ



ای سرور من، ای آن که بر او تکیه دارم، ای آن که شکایت حالم را تنها به سوی او برم، ای پروردگارم، ای پروردگارم، ای پروردگارم، اعضايم را در راه خدمتت نیرو بخش و دلم را بر عزم و همتت محکم کن و کوشش در راستای پروایت و دوام در پیوستن به خدمتت را به من ارزانی دار تا به سویت در میدان‌های پیشتانان برانم؛ و به سویت در میان شتابندگان بشتابم و مشتاقانه به سوی قربت در میان مشتاقان قرار گیرم و همانند مخلصان به تو نزدیک شوم و چون یقین آوردگان از جاه و عظمت تو بهراسم و با اهل ایمان در جوارت گرد آیم

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ
عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ، وَأَقْرَبَهُمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ،
فَإِنَّهُ لَا يَنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ؛
وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيماً،
وَمَنْ عَلَى سَبْحِ حُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَأَقْلَبِي عَثْرَتِي، وَاعْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ
عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ، وَضَمِمْتَ لَهُمْ إِلَّا جَابَةً

دعای کمیل



خدایا! هرکس مرا به بدی قصد کند تو قصدش کن و هرکس با من مکر ورزد تو نسیت به او چاره‌سازی کن و مرا از بهره‌مندترین بندگانت نزد خود و نزدیک‌ترینشان در منزلت به تو و ویژه‌ترینشان در رتبه به پیشگاهت بگردان، زیرا این همه به دست نیاید جز به فضل و احسان تو، خدایا! با جودت به من جود کن و با بزرگواری‌ات به من نظر انداز؛ و با رحمتت مرا نگاهدار و زبانم را به ذکر تو گویا کن و دلم را به محبت شیفته و شیدا فرما و بر من ممت گذار با پاسخ نیکویت و لغزشم را نادیده انگار و گناهم را ببخش، زیرا تو بندگانت را به بندگی فرمان دادی و به دعا و درخواست از خود دستور دادی و اجابت دعا را برای آنان ضامن شدی

فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ
اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقَطِّعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي
شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي



پس ای پروردگار من فقط روی به سوی تو نهادم و دستم را تنها به جانب تو دراز کردم، پس تو را به عزتت سوگند می‌دهم که دعایم را مستجاب کنی و مرا به آرزویم برسانی و امیدم را از احسان و فضلت ناامید نکنی و شر دشمنانم را از پری و آدمی از من بازداری

يَا سَرِيعَ الرِّضَا، اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ، يَا
مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ
الرَّجَاءُ، وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا نُورَ
الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأُمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ
وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا



ای خدایی که به سرعت از بندهات خشنود می‌شوی، پیامرز آن را که جز دعا مالک چیزی نیست، همانا تو هرچه بخواهی انجام می‌دهی، ای آن که نامش دوا و یادش درمان و طاعتش توانگری است، رحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید و سازوبرگش اشک‌ریزان است، ای گسترش دهنده نعمت‌ها، ای دورکننده‌ی بلاها، ای روشنی‌بخش وحشت زدگان در تاریکی‌ها، ای دانای ناآموخته، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با من چنان کن که شایسته‌اش هستی و درود و سلام فراوان خدا بر پیامبرش و بر امامان خجسته از خاندانش

دعای کمیل

| | |
|------------------|-------------|
| دعای کمیل | عنوان کتاب |
| ترجمه فارسی | نوع دعا |
| ۱ | ورژن کتاب |
| ۲۰ | تعداد صفحات |
| مفاتیح الجنان | منبع |
| Mazget.ir | آدرس سایت |

